

بازگشایی چذابه و تعطیلی سومار، مسئله تازه صادرات به عراق را آشکار کرد

تجارت پشت چراغ قرمز مرزها

کیمیا ملکی: **برای کامیونی که بار صادراتی به عراق دارد، بازبودن مرز فقط به معنای اجازه عبور نیست؛ یعنی امکان تحویل به‌موقع، حفظ کیفیت کالا و دریافت پول در موعد مقرر. حالا همین اطمینان، به یکی از مسائل تجارت دو کشور تبدیل شده است. چذابه پس از حدود سه هفته تعطیلی بازگشایی شده، اما سومار تنها سه روز بعد از مدار مبادلات خارج شده است؛ جابه‌جایی‌هایی که تجارت را متوقف نمی‌کنند، اما می‌توانند هزینه و زمان رسیدن به بازار را افزایش دهند. در همین حال، داده‌های نیمه نخست سال از کاهش ارزش صادرات ایران به عراق حکایت دارند؛ افتی که پیش از تعطیلی‌های اخیر آغاز شده و نمی‌توان آن را یکسره به محدودیت‌های مرزی نسبت داد. تصویر تجارت در نیمه دوم سال، ترکیبی از ادامه مبادلات، تغییر مسیر کامیون‌ها و افزایش نااطمینانی است. مسئله دیگر فقط فروش کالا نیست؛ رساندن منظم و قابل‌پیش‌بینی آن به مشتری عراقی نیز اهمیت بیشتری پیدا کرده است.**

افت صادرات پیش از تعطیلی‌های تازه

داده‌های موجود، کاهش ارزش صادرات ایران به عراق در شش‌ماهه نخست ۱۴۰۵ را حدود ۳۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهند. در ارزیابی دیگری، میزان کاهش حدود ۲۶ تا ۲۷ درصد عنوان شده است. اختلاف این ارقام، ضرورت یکسان‌سازی مبنای محاسبه و ترکیب کالاهای منظورشده، به‌ویژه نحوه احتساب گاز، را نشان می‌دهد؛ بااین‌حال، جهت حرکت در هر دو ارزیابی یکسان است: ارزش صادرات کاهش یافته است.

نکته تعیین‌کننده، زمان وقوع این افت است. آمار شش‌ماهه، عملکرد فروردین تا پایان شهریور را در بر می‌گیرد و نمی‌تواند نتیجه تعطیلی‌های مهر و آبان باشد. نسبت‌دادن کل کاهش صادرات به بسته‌شدن اخیر چذابه یا سومار، ترتیبِ زمانی رویدادها را نادیده می‌گیرد.

از سوی دیگر، کاهش ارزش دلاری صادرات لزوماً به معنای کاهش هم‌اندازه تعداد کامیون‌ها یا وزن محموله‌ها نیست. تغییر ترکیب کالا، مقدار صادرات و قیمت هر قلم می‌تواند نتیجه نهایی را جابه‌جا کند. برای شناخت منشأ افت، باید این اجزا از یکدیگر تفکیک شوند؛ کاری که بدون جزئیات بیشتر، به نتیجه قطعی نمی‌رسد.

پرویزخان؛ مسیر فعال، ظرفیت نیازمند سنجش

در پرویزخان، ارزش صادرات هفت‌ماهه به عراق ۴۱۷ میلیون و ۳۹۴ هزار دلار و وزن آن بیش از یک میلیون و ۱۰۹ هزار تن اعلام شده است. میانگین تردد روزانه نیز ۵۰۱ کامیون حامل کالای صادراتی گزارش شده؛ رقمی که جایگاه این گذرگاه را در جابه‌جایی کالا نشان می‌دهد.

شمش و ورق فولادی، میلگرد، کاشی، مصالح ساختمانی، میوه و تره‌بار و خشکبار، از اقلام اصلی این مسیر بوده‌اند. این تنوع یعنی مرز با محموله‌هایی سروکار دارد که از نظر شیوه نگهداری، زمان تحویل و حساسیت به تأخیر، شرایط یکسانی ندارند.

پرویزخان در کنار خسروی، به‌عنوان مسیر جایگزین سومار معرفی شده است. بااین‌حال، حجم فعالیت فعلی یک گذرگاه، به‌تنهایی ظرفیت خالی آن را مشخص نمی‌کند. برای سنجش توان جذب بار اضافی باید امکانات تخلیه و بارگیری، سرعت انجام تشریفات، فضای توقف و ظرفیت طرف مقابل نیز بررسی شود. مرزی که روزانه صدها کامیون از آن عبور می‌کند، الزاما نمی‌تواند همان روز صدها کامیون دیگر را با همان سرعت پذیرش کند؛ این موضوع به وضعیت عملیاتی آن بستگی دارد.

اهمیت روزهای پس از تعطیلی

سومار پیش از بسته‌شدن، به‌طور میانگین محل عبور روزانه ۳۵۰ کامیون بوده است. همچنین، پس از اطلاع‌رسانی درباره تعطیلی، خروج محموله‌ها سرعت گرفته و در ۲۰ آبان، ۷۵۰ کامیون از این مرز خارج شده‌اند. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده، هنگام توقف فعالیت، محموله صادراتی معطلی در محوطه مرزی باقی نمانده بود.

این اتفاق از منظر مدیریت بار موجود اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد بخشی از فشار احتمالی پیش از تعطیلی تخلیه شده است. بااین‌حال، خالی‌بودن محوطه در لحظه بسته‌شدن، تمام مسئله را توضیح نمی‌دهد. پرسش مهم‌تر به بارهایی مربوط است که قرار بوده در روزهای بعد وارد این مسیر شوند.

این محموله‌ها باید از گذرگاه دیگری عبور کنند، زمان حرکتشان تغییر کند یا تا روشن‌شدن شرایط منتظر بمانند. هر انتخاب، پیامد متفاوتی برای قرارداد و هزینه حمل دارد. بنابراین، ارزیابی عملکرد تنها با شمارش کامیون‌های باقی‌مانده در محوطه کامل نمی‌شود؛ باید سرنوشت جریان ورودی آینده را نیز دنبال کرد. اثر واقعی تعطیلی ممکن است بیرون از محوطه سومار و در مسیرهای جایگزین ظاهر شود.

هزینه برای همه کالاها یکسان نیست

یک روز تأخیر، برای تمام محموله‌ها معنای اقتصادی مشابهی ندارد. در میوه و تره‌بار، زمان بخشی از کیفیت کالاست. طولانی‌شدن حمل، بسته به نوع محصول و شرایط نگهداری، می‌تواند احتمال افت کیفیت یا افزایش هزینه حفاظت از بار را بالا ببرد. برای چنین محموله‌ای، صرف وجود راه جایگزین کافی نیست؛ مدت رسیدن به آن راه نیز اهمیت دارد.

در فولاد، کاشی و مصالح ساختمانی، خطر فسادپذیری مطرح نیست، اما زمان همچنان ارزش دارد. تغییر برنامه حمل می‌تواند تحویل سفارش را عقب بیندازد، خودرو را مدت بیشتری درگیر نگه دارد یا زمان وصول مطالبات را جابه‌جا کند. اینها مسیرهای احتمالی انتقال هزینه‌اند، نه خسارت‌هایی که برای تعطیلی اخیر اندازه‌گیری شده باشند.

در داده‌های موجود، رقم قابل اتکایی برای زیان مستقیم تعطیلی سومار یا چذابه ارائه نشده است. ازاین‌رو، تبدیل ارزش روزانه یا هفت‌ماهه صادرات به خسارت تعطیلی درست نیست. کالایی که با تأخیر از مرز خارج می‌شود، الزاماً صادرات ازدست‌رفته محسوب نمی‌شود؛ هر چند جابه‌جایی آن می‌تواند پرهزینه‌تر شده باشد.



یک مرز باز می‌شود، دیگری بسته

تجارت ایران و عراق در آبان‌ماه با دو خبر متفاوت روبه‌رو شد.

چذابه در ۱۹ آبان فعالیت مسافری و تجاری خود را از سر گرفت، اما از صبح ۲۲ آبان، گذرگاه مندلی در مقابل سومار موقتاً تعطیل شد. تا ۲۳ آبان، وضعیت این دو مسیر چنین بود: چذابه باز و سومار بسته؛ بنابراین، آنچه اتفاق افتاده، تعطیلی یکپارچه مرزهای مشترک نیست، بلکه تغییر وضعیت برخی گذرگاه‌ها در فاصله‌ای کوتاه است.

این تفاوت، برای فهم شرایط بازار اهمیت دارد. بسته‌شدن یک مسیر می‌تواند بار را به گذرگاه دیگری منتقل کند، اما به‌خودی‌خود به معنای حذف همان میزان صادرات نیست. در مقابل، بازبودن مرزهای دیگر نیز تضمین نمی‌کند که تمام محموله‌ها بدون تأخیر و هزینه اضافی عبور کنند.

آمار بزرگ، اما نه برای تمام بازار

تازه‌ترین ارقام ارائه‌شده درباره گمرکات کرمانشاه، صادرات حدود یک میلیارد و ۴۰۸ میلیون دلار کالا به وزن سه میلیون و ۸۵۰ هزار تن را از ابتدای سال تا پایان مهر نشان می‌دهد. در همین بازه، رقم ثبت‌شده برای سومار حدود ۳۶۹ میلیون دلار و برای خسروی حدود ۴۰۶ میلیون دلار بوده است. این اعداد، اهمیت اقتصادی گذرگاه‌های غربی را روشن می‌کنند، اما برای استفاده درست از آنها باید محدوده آماری را حفظ کرد. رقم هفت‌ماهه کرمانشاه، نه صادرات مهرماه است و نه کل صادرات ایران به عراق. همچنین، ارقام هر گذرگاه را نباید بدون بررسی پوشش آماری آنها، دوباره به مجموع استانی اضافه کرد. مسئله اصلی در تحلیل نیمه دوم سال همین است: داده‌ای که تا پایان مهر منتشر شده، الزاماً عملکرد نیمه دوم را به‌صورت مستقل نشان نمی‌دهد. برای محاسبه صادرات مهر باید رقم شش‌ماهه همان مجموعه، با تعاریف یکسان، از رقم هفت‌ماهه کسر شود. در نبود این تطبیق، آمار موجود بیشتر اندازه فعالیت گذرگاه‌ها را نشان می‌دهد تا شدت تغییر تجارت در پاییز.

سه مقطع متفاوت از محدودیت

برای ترسیم مسیر تحولات، باید تعطیلی‌های اخیر را از یکدیگر جدا کرد. نخستین مقطع مورد اشاره، به ۲۱ شهریور بازمی‌گردد؛ زمانی که شلمچه، چذابه و مندلی در جریان بازبینی ترتیبات امنیتی بسته شدند و سپس برای بازگشایی مرحله‌ای آنها برنامه اعلام شد. این رویداد در پایان نیمه نخست سال اتفاق افتاد، نه در نیمه دوم.

مقطع بعد، تعطیلی چذابه از ۲۹ مهر بود. در این مرحله، مشکلات فنی، لجستیکی و امنیتی به‌عنوان دلایل محدودیت مطرح شد. بسته‌شدن گذرگاه، هم رفت‌وآمد مسافر و هم حمل کالای تجاری را تحت تأثیر قرار داد و با اعتراض بخشی از رانندگان و فعالان اقتصادی در سمت عراقی همراه شد. سومین مقطع، تعطیلی سومار در ۲۲ آبان است. برای این تصمیم، تکمیل تعمیرات و آماده‌سازی گذرگاه پیش از فصل بارندگی اعلام شده و زمان مشخصی برای بازگشایی ارائه نشده است. کنار هم قرارگرفتن این رویدادها از تکرار اختلال حکایت دارد، اما یکسان‌دانستن علت، مدت و دامنه اثر آنها، تصویر دقیقی از شرایط تجارت به دست نمی‌دهد.

بازار عراق فقط در مرز خلاصه نمی‌شود

شرایط تجارت پس از آغاز جنگ، تنها با وضعیت دروازه‌های زمینی توضیح داده نمی‌شود. اختلال حمل‌ونقل و محدودیت‌های منطقه‌ای، بخشی از محیط تازه فعالیت اقتصادی را تشکیل می‌دهند، اما برای تعیین سهم هر عامل در افت صادرات، شواهد تفکیک‌شده لازم است. نمی‌توان هر کاهش آماری را مستقیماً به یک رویداد نسبت داد.

در کنار کالاهای عبوری از مرزها، تجارت انرژی نیز باید جداگانه دیده شود. برآورد مطرح‌شده از خرید سالانه گاز عراق از ایران، در مقیاس حدود چهار میلیارد دلار است.

همچنین، برای تجارت سالانه دو کشور برآوردی در محدوده ۱۵ تا ۱۸ میلیارد دلار مطرح شده است. این ارقام، توصیفی از مقیاس روابط اقتصادی‌اند، نه آمار قطعی تحقق‌یافته سال ۱۴۰۵.

گاز از همان مسیری جابه‌جا نمی‌شود که کامیون حامل کاشی یا محصولات کشاورزی عبور می‌کند.

بنابراین، تغییر ارزش صادرات انرژی و اختلال در حمل زمینی، دو مسئله مرتبط اما متفاوت‌اند. اگر این تفاوت نادیده گرفته شود، ممکن است کاهش یک بخش، به اشتباه نشانه افت مشابه در تمام گروه‌های کالایی تلقی شود.

مسئله اصلی، قابلیت برنامه‌ریزی است

برای فروشنده، دسترسی به بازار فقط کوتاه‌بودن فاصله جغرافیایی نیست.

مسیر باید به اندازه کافی قابل‌پیش‌بینی باشد تا بتوان بر اساس آن قرارداد بست. خریداری که زمان مشخصی برای دریافت کالا دارد، علاوه بر قیمت، درباره اطمینان از تحویل نیز تصمیم می‌گیرد. به همین دلیل، تکرار اختلال می‌تواند حتی پیش از توقف کامل مبادلات، کیفیت رابطه تجاری را تحت تأثیر قرار دهد.

البته داده‌های موجود نشان نمی‌دهند که در پی تعطیلی اخیر، چه تعداد سفارش لغو شده یا چه میزان بازار به رقبا واگذار شده است. طرح قطعی چنین نتیجه‌ای، فراتر از اطلاعات در دسترس خواهد بود. آنچه می‌توان گفت، افزایش احتمال دشواری در برنامه‌ریزی است؛ به‌ویژه اگر زمان بازگشایی روشن نباشد.

پاسخ عملی به این وضعیت نیز صرفاً اعلام نام مرز جایگزین نیست. صادرکننده به اطلاعاتی درباره ساعت فعالیت، نوع کالای قابل پذیرش، تشریفات طرف عراقی و شرایط عبور نیاز دارد. هرچه این اطلاعات دقیق‌تر و زودتر منتقل شود، امکان تنظیم مسیر بیشتر خواهد بود. اطلاع‌رسانی در اینجا بخشی از مدیریت هزینه تجارت است، نه صرفاً انتشار یک خبر اداری.

چه چیزی باید در آمار بعدی روشن شود؟

برای شناخت وضعیت واقعی پاییز، باید عملکرد ماهانه کل صادرات ایران به عراق، با تفکیک وزن، ارزش و گروه کالایی منتشر و مقایسه شود. آمار تجمعی هفت‌ماهه برای نشان‌دادن اندازه فعالیت مفید است، اما تغییرات کوتاه‌مدت را در دل دوره‌ای طولانی‌تر پنهان می‌کند. در سطح مرزها نیز تعداد کامیون‌های عبوری، زمان انتظار و حجم ترخیص در روزهای قبل و بعد از تعطیلی اهمیت دارد. اگر بار سومار به خسروی و پرویزخان منتقل شده باشد، باید دید مجموع خروجی این مسیرها چگونه تغییر کرده است. افزایش تردد در یک گذرگاه، بدون مشاهده وضعیت بقیه مسیرها، نه نشانه قطعی رونق است و نه اثبات جبران کامل اختلال. تا آن زمان، جمع‌بندی محتاطانه روشن است: صادرات در نیمه نخست کاهش یافته، مبادلات زمینی ادامه دارد و وضعیت برخی گذرگاه‌ها تغییر کرده است. اما میزان دقیق صادرات مهر و آبان، سهم تعطیلی‌ها در کاهش احتمالی آن و خسارت مالی فعالان اقتصادی، از ارقام فعلی قابل استخراج نیست. همین مرزبندی، تفاوت میان تحلیل داده و نتیجه‌گیری شتاب‌زده را مشخص می‌کند.

فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت تولیدی در بازار عراق

یحیی آل‌اسحاق رئیس اتاق مشترک ایران و عراق با نگاهی به سیاست‌های تجاری عراق در حمایت از تولید داخلی، مسیر صادرات برخی محصولات فولادی ایران به این کشور را دستخوش تغییرات دانست و به صمت گفت: در پی اعمال تعرفه بر واردات میلگرد، صادرات این محصول کاهش یافته و در مقابل، صادرات شمش فولادی افزایش پیدا کرده است؛ تغییری که ضرورت بازنگری در راهبردهای تجاری و توسعه همکاری‌های تولیدی با عراق را مطرح می‌کند.

وی با اشاره به تداوم تعرفه عراق بر واردات میلگرد ایران گفت: این کشور در چارچوب سیاست حمایت از تولید داخلی، برای واردات محصولاتی که امکان تولید آنها در داخل عراق وجود دارد، محدودیت تعرفه‌ای ایجاد می‌کند.

وی افزود: اعمال تعرفه بر میلگرد باعث شده بخشی از این محصول در بازار عراق با محدودیت وارداتی مواجه شود و در مقابل، شمش فولادی ایران برای تبدیل و فرآوری در عراق مورد استفاده قرار گیرد. به همین دلیل، حجم صادرات شمش افزایش یافته، در حالی که صادرات میلگرد کاهشی بوده است.

ضرورت تغییر رویکرد در همکاری با بازار عراق

این فعال اقتصادی درباره احتمال اقدام متقابل ایران در برابر تعرفه عراق بر میلگرد نیز با اشاره به خام‌فروشی شمش، این موضوع را قابل توجه دانست؛ با این حال، تأکید کرد: تولیدکنندگان ایرانی باید سیاست تجاری عراق و حمایت این کشور از صنایع داخلی خود را در تصمیم‌گیری‌هایشان لحاظ کنند.

به گفته وی، عراق نیز حق دارد برای توسعه تولید داخلی خود برنامه‌ریزی کند و نمی‌توان انتظار داشت این کشور برای همیشه واردکننده محصولات نهایی باقی بماند.

رئیس اتاق مشترک ایران و عراق در همین زمینه، توسعه تولید مشترک در عراق را یکی از مسیرهای قابل بررسی برای حفظ حضور تولیدکنندگان ایرانی در این بازار دانست.

بر این اساس، فعالان صنعت فولاد باید علاوه بر صادرات مستقیم محصولات نهایی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت تولیدی در بازار عراق را نیز مدنظر قرار دهند.

سخن پایانی

بازار عراق برای کالای ایرانی بسته نشده، اما رسیدن به آن با پرسش‌های بیشتری همراه شده است. بازگشایی چذابه و تعطیلی سومار نشان می‌دهد که مسئله تجارت، تنها تعداد مرزهای فعال نیست؛ ثبات فعالیت آنها نیز اهمیت دارد. مسیر جایگزین می‌تواند مانع توقف مبادلات شود، ولی لزوما زمان و هزینه قبلی را حفظ نمی‌کند. در مقابل، نباید کاهش صادرات نیمه نخست را به تعطیلی‌های بعدی نسبت داد یا ارزش بار عبوری از یک مرز را خسارت قطعی بسته‌شدن آن دانست. تصویر دقیق‌تر، به آمار ماهانه و اطلاعات عملیاتی نیاز دارد. تا آن زمان، اولویت روشن است: اطلاع‌رسانی به‌موقع، هماهنگی گمرکی و فراهم‌کردن مسیر جایگزین متناسب با نوع محموله. مزیت نزدیکی به عراق زمانی به فروش پایدار تبدیل می‌شود که صادرکننده بتواند درباره زمان رسیدن کالایش اطمینان بدهد. مرز اگر باز باشد، اما برنامه حرکت آن روشن نباشد، بخشی از مزیت تجارت همسایگی همچنان بلااستفاده می‌ماند و هزینه پیش‌بینی‌ناپذیری بر دوش بنگاه‌ها باقی خواهد ماند.